

پایه های فکری

حكومت جهانی در اسلام

در بحث های گذشته بطور مختصر و کوتاه با فکر و حکومت واحد جهانی، و سابقه تاریخی آن در عقائد و افکار بشری آشنا شدیم ، آخرین طرحی را که عده ای از متفکرین سیاسی جهان حاضر برای تشکیل يك حكومت جهانی ترسیم و پیشنهاد نموده اند مورد مطالعه قرار دادیم .

توضیح دادیم که درد نیای امروز موانع اساسی و ریشه داری بر سر راه عملی شدن اینگونه طرحها وجود دارد و تا اختلافات و دشمنیهای موجود ، خوی استعمارگری ، ط ز تفکرهای غلطی مانند تبعیضات نژادی ، تسلیحات سرسام آور نظامی و بدبینیهای سابقه داری که از این راهها پیدا شده بر طرف نگردد حکومت واحد جهانی جامه عمل نخواهد پوشید .

اینك بحثی را آغاز میکنیم که تشریح آن ، هدف اساسی ماست و چند مقاله قبلی را بعنوان مقدمه بر آن نگاشته ایم : عنوان کلی این بحث را چنین میتوانیم بنامیم : **طرح خاص اسلام برای تأسیس يك حكومت جهانی .**

اسلام بعنوان يك مذهب دارای «**دکترین اجتماعی**» ، بدنبال آنست که يك حكومت جهانی تأسیس کند ، این مذهب که در حقوق ، اقتصاد ، سیاست ؛ اخلاق و عقائد و بالاخره کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی انسانها اصول و قوانین عمیق و پرازش مخصوص بخود دارد از نظر «**فلسفه سیاسی**» طرفدار «جامه جهانی» است ، او جامعه های محدود بصورت مآتها و دولت های مستقل از یکدیگر را که فقط بمنافع خود بیندیشند محکوم میکند ، در

این راه با هر گونه عامل اختلاف و دوگانگی و تشمت در مبارزه و ستیز دائمی می باشد و همه انسان های جهان را دعوت میکند زیر یک پرچم درآیند و تشکیل یک جامعه بدهند .

پرواضح است که جامعه و حکومت جهانی اسلام هم دارای اصول و قوانین مخصوص بخود است میان این جامعه ، از نظر ارزشها و پایه هائیکه زیر بنای آن قرار میگیرند با جامعه جهانی که فلاسفه سیاسی بدنبال آنند تفاوت اساسی و عمیق موجود است .

بهمین جهت طرحی هم که اسلام برای تحقق بخشیدن به این جامعه ، عرضه داشته کاملاً با طرحی مانند «حکومت متحده جهانی» متفاوت و مغایر است .

تجزیه و تحلیل طرح اسلام برای تأسیس «حکومت جهانی» با بسیاری از مسائل و بحثهای

فقهی ارتباط شدید دارد ، در واقع مطالعه این طرح همان مطالعه اصول حقوق بین الملل اسلامی است. خصوصیات این طرح است که روابط یک جامعه اسلامی را با جوامع دیگر جهان مشخص میکند و در این بحث است که «فلسفه سیاسی اسلام» در خارج از مرزهای کشور اسلامی و در صحنه بین المللی توضیح داده میشود ، موضوعات این بحث بیش از همه ، با موضوع «جهاد» مرتبط میشود که یکی از ابواب مهم فقه اسلامی است و در کتب فقه تحت عنوان «کتاب جهاد» مسائل بسیار مهم متعددی مورد بررسی فقهاء اسلام قرار گرفته است .

* * *

تردید نیست که باید قبل از ریشه های اصلی فکر «حکومت جهانی» را در متون و مدارک قطعی اسلامی بدست آوریم و به بینیم چگونه این فکر در این مکتب جامع آسمانی مورد توجه قرار گرفته است ؟

هنگامیکه به بررسی فکر «حکومت جهانی» از نظر مدارک اسلامی میپردازیم پیش از هر مطلب یک موضوع اساسی و اصلی توجه ما را بخود جلب میکند ، آن مطلب اینست که اساساً اسلام دین دعوت و تبلیغ است آنهم در یک مقیاس جهانی و همگانی. توضیح اینک :

از اعماق اصول و تعالیم این مذهب ، وظیفه ای بنام تبلیغ و دعوت جهانیان ناشی میشود و هر فرد مسلمانی را در حدود درک و امکاناتش زیر بار مسئولیت سنگین خود قرار میدهد ، بنا به تعالیم این مذهب مسلمانی تنها با پذیرفتن عقاید و دستورات اسلام خاتمه نمی پذیرد بلکه مسلمان کامل کسی است که در راه نشر عقیده خود با تمام نیروهای خویش بکوشد و تا دیگران را با خود هم-عقیده نساخته از پای نشیند .

مسلمان با این مسئولیت راهواره بردوش خود احساس میکند که باید چراغ سعادت را

فراراه دیگران نیز داشت و این برنامه زندگی انسانی یعنی اسلام را در اختیار دیگران هم قرار داد، او معتقد است سعادت مند شدن فرد باید در پرتو سعادت مندی جامعه صورت گیرد و سعادت جامعه هم در جهانی امکان می پذیرد که سراسر آن، اصول سعادت را پذیرفته باشد بدین ترتیب هدف نهائی باید سعادت مند نمودن تمام جهان نیان باشد.

احساس مذکور همواره یک نیروی تولید کننده ای بجامعه اسلامی میبخشد و اسلام را از داخل مرزهای کشور اسلامی متوجه صحنه جهانی و بین المللی میکند و از این راه دعوت اسلام یک صورت جهانی بخود میگیرد، این دعوت جهانی چیزی جز کوشش در راه تشکیل حکومت جهانی نیست.

حالا باید ببینیم در مدارک اسلامی این فکر چگونه اظهار شده است. در قرآن کریم بدو دسته از آیات بر میخوریم:

دسته اول آیاتیکه موضوع تبلیغ و دعوت را عنوان نموده و با تعبیرهای نافذ و مؤثر گوناگون و در عین حال شیرین از آن سخن میگوید.

دسته دوم آیاتیکه تصریح بجهانی بودن دعوت اسلامی میکند و چنین میرساند هدف اینست که رسالت اسلامی همه مردم جهان را تحت یک پرچم گرد آورد و پیرو حکومت واحد گرداند و بدینجهت باید دعوت اسلامی در یک مقیاس جهانی صورت بگیرد. اینک بیان این دو دسته از آیات:

مسئولیت بزرگ: تبلیغ و دعوت

۱ - «... برای همین هدف (یکتا پرستی) خلق را دعوت کن و چنانکه فرمانت داده اند استوار باش و هوسهایشان را پیروی مکن...» (۱) در این آیه به پیامبر گرامی اسلام دستور اکید داده شده که در کار دعوت و تبلیغ و انجام رسالت الهی خود با تمام نیرو بکوشد و در برابر موانع و حوادث مردانه استوار باشد.

۲ - «بادلائل روشن، و پندهای نیکو (خلق را) براه پروردگارت دعوت کن و با مخالفان بطریق بی مناظره کن که بهترین و مؤثرترین طریقها باشد...» (۲) در آیه فوق پس از آنکه «وظیفه دعوت» قطعی و تخلف ناپذیر بشمار آمده راه و رسم آن به پیامبر گرامی اسلام یادآوری شده است.

۳ - «همان کسانی که پیغامها و رسالتهای الهی را می رسانند و از او میترسند

(۱) «فلذلك فادع واستقم كما امرت ولا تتبع اهوائهم...» سوره شوری آیه ۱۵
 (۲) «ادع الی سبیل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن...» (سوره نحل آیه ۱۲۵)

وازهیچکس جز خدا نمی‌ترسند...» (۱)

در این آیه استواری و ایستادگی مردان الهی در راه تبلیغ و دعوت بحقیقت مورد ستایش و تقدیر خداوند قرار گرفته است.

۴ - «ای پیامبر! ما تو را گواه و بشارت آور، و پیام رسان و دعوت کننده بسوی خدا (باذن الهی) و چراغی روشن (فراراه زندگی انسانها) فرستاده ایم.» (۲)

در آیه فوق نیز حقیقت و وظیفه مقدس و پر مسئولیت پیامبری و دعوت مردم بسوی خدا، یادآوری شده است در قرآن کریم آیات دیگری هست که در باره «وظیفه تبلیغ و دعوت» سخن گفته آنرا يك مسئولیت اساسی برای پیامبر و برای مسلمانان اعلام نموده است و بدین ترتیب مسئله دعوت و تبلیغ و نشر افکار و تعالیم اسلامی مستقیماً از کتاب آسمانی مسلمانان سرچشمه می‌گیرد و باین آئین، خاصیت تولید و توسعه خاصی می‌بخشد بطوریکه دایره هر جامعه کوچک یا بزرگ اسلامی دائماً در حال توسعه و عظمت می‌باشد.

دعوت و رسالت اسلامی باید جهانی باشد.

۱ - «ای پیامبر! ما ترا بشارت ده و پیام رسان؛ برای تمام انسانها فرستاده ایم...» (۳)

در این آیه جهانی بودن رسالت پیامبر اسلام یعنی جهانی بودن دعوت اسلامی با صراحت اعلام شده است.

۲ - «بگو ای مردم! من فرستاده خدا هستم بسوی همگی شما (تمام انسانها)»... (۴)

۳ - «او است که پیامبر خویش را با هدایت و دین حق، (بسوی انسانها) فرستاد تا (آئین) وی را بر همه آئینها غالب و پیروز گرداند...» (۵)

(۱) الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ویلایخشون احداً الا الله (سوره احزاب آیه ۴۰)
(۲) یا ایها النبی انا ارسلناک شاهداً ومبشراً و نذیراً وداعیا الی الله باذنه وسراجاً منیراً (سوره احزاب آیه ۴۵ - ۴۶)

(۳) «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً ونذیراً...» (سوره سبأ آیه ۲۴)

(۴) قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً... (سوره اعراف آیه ۱۵۸)

(۵) هو الذی ارسل رسولہ بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله... (سوره توبه

آیه ۳۴)